

سال انتشار	۱۴۰۴	شماره انتشار	۲۴	صفحات	۱-۱۶
------------	------	--------------	----	-------	------

بررسی تحلیلی حقوق اشخاص ثالث در مورد فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته در فقه، حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران

آقای دکتر حسین عندلیب و آقای سید امیر سخاوتیان

گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

گروه معارف اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت حقوق اشخاص ثالث در فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته در حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران انجام شده است. روش(ها): این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به ادله فقهی، قوانین، حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی است که از یک سو، طلبکاران حق دارند که در راستای دریافت مطالبات خود از اموال تاجر ورشکسته بهره‌مند شوند، اما از سوی دیگر، اشخاص ثالثی که با حسن نیت وارد معاملات با تاجر شده‌اند، نباید قربانی شرایط حقوقی ورشکستگی شوند. این تعارض منافع، چالش‌های بسیاری را در نظام حقوقی ایران ایجاد کرده و برقراری تعادل میان این منافع متضاد را به مسئله‌ای حیاتی تبدیل کرده است. بررسی‌های حاکی از آن است که نبود شفافیت در قوانین موجود و تضاد آرای محاکم، منجر به تضییع حقوق اشخاص ثالث شده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: «وضعیت حقوق اشخاص ثالث در مورد فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته در فقه، حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران چگونه است؟» برای پاسخ به این پرسش از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که قوانین ایران، به‌ویژه ماده ۴۱۸ و ۴۲۰ قانون تجارت، چارچوب کلی برای بطلان معاملات تعیین کرده‌اند، اما معیارهای دقیق برای تفکیک معاملات صحیح از معاملات باطل ارائه نشده است. این امر باعث اختلاف نظرهای گسترده در رویه‌های قضایی شده است. ابهام در تعریف و شرایط بطلان معاملات، تضاد میان رویه‌های قضایی و نبود وحدت رویه، نبود حمایت کافی از اشخاص ثالث با حسن نیت و امکان سوءاستفاده از وضعیت ورشکستگی توسط تاجر ورشکسته از مهمترین چالش‌ها در مساله حاضر است.

واژگان کلیدی: ورشکستگی، اشخاص ثالث، بطلان معاملات، فقه، حقوق تجارت، قانون تجارت ایران.

طبقه‌بندی: JEL فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Analytical study of the rights of third parties regarding the termination and annulment of transactions of a bankrupt merchant in jurisprudence, subject law and judicial procedure of Iran.

Hussain Andalib and Seyyed Amir Sakhawayan

Abstract

This research has been conducted with the aim of investigating the status of third parties' rights in the termination and invalidation of the transactions of the bankrupt merchant in the subject law and judicial procedure of Iran.

Method(s): This research was carried out with the method of library studies and in a descriptive-analytical way, in which the necessary information was obtained and analyzed by referring to jurisprudential evidences, laws, subject laws and judicial procedure of Iran.

Findings: The findings of the research indicate that on the one hand, creditors have the right to benefit from the bankrupt merchant's property in order to receive their claims, but on the other hand, third parties who entered into transactions with the merchant in good faith should not be victims of the legal conditions of bankruptcy. This conflict of interests has created many challenges in Iran's legal system and has turned balancing these conflicting interests into a vital issue. Studies indicate that the lack of transparency in the existing laws and the conflicting opinions of the courts have led to the violation of the rights of third parties. The main question of the current research is: "What is the status of the rights of third parties regarding the termination and annulment of the transactions of a bankrupt merchant in jurisprudence, subject law and judicial procedure of Iran?" To answer this question, a descriptive-analytical method has been used.

Conclusion: The results of the research indicate that the laws of Iran, especially Articles ۴۱۸ and ۴۲۰ of the Trade Law, have set a general framework for the invalidation of transactions, but the exact criteria for distinguishing valid transactions from invalid transactions have not been provided. This has caused widespread disagreements in judicial procedures. Ambiguity in the definition and conditions of invalidity of transactions, conflict between judicial procedures and lack of unanimity, lack of sufficient support for third parties with good faith and the possibility of abusing the bankruptcy status by bankrupt businessmen are among the most important challenges in this issue.

Keywords: Bankruptcy, Third people, Invalidation of transactions, jurisprudence, Business Law, Iranian Trade Law.

متن مقاله

طلبکاران و تاجر ورشکسته ایجاد کند (قائم‌مقامی فراهانی، ۱۳۸۲).
ورشکستگی نه تنها دارای آثار مستقیم بر حقوق تاجر است، بلکه پیامدهای گسترده‌ای بر حقوق اقتصادی و حقوقی جامعه دارد. در بعد اقتصادی، ورشکستگی می‌تواند منجر به کاهش اعتماد عمومی به نظام تجاری شود و اشخاص ثالث را از ورود به معاملات تجاری با تاجران دچار بحران مالی باز دارد. از سوی دیگر، در بعد حقوقی، ورشکستگی پیچیدگی‌های فراوانی را در تفسیر قوانین، بطلان معاملات، و نحوه حمایت از اشخاص ثالث ایجاد می‌کند. این پیچیدگی‌ها به‌ویژه در حقوق ایران، که هنوز در برخی موارد دچار ابهامات و خلأهای قانونی است، اهمیت دوچندان پیدا می‌کنند.

با وجود ماده ۴۱۸ قانون تجارت، در عمل اجرای ممنوعیت تصرف با چالش‌های متعدد و ابهامات حقوقی همراه است. یکی از این چالش‌ها مربوط به معاملات انجام شده در حین دوره مشکوک است. یکی دیگر از این چالش‌ها نیز مربوط به معاملات انجام شده پیش و پس از صدور حکم ورشکستگی است. پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، شامل موارد زیر است

آیا تمامی معاملات انجام شده توسط تاجر در بازه زمانی قبل از ورشکستگی، باطل محسوب می‌شوند یا تحت شرایط خاصی قابل ابطال هستند؟

معاملات انجام شده توسط تاجر پس از صدور حکم ورشکستگی، از نظر حقوقی چه وضعیتی دارند؟ آیا این معاملات به صورت مطلق فاقد اعتبار هستند یا تحت شرایطی قابلیت تأیید یا ابطال دارند؟

این ابهامات باعث شده است که اختلافات حقوقی قابل توجهی در محاکم قضائی ایران به وجود آید. رویه‌های قضائی موجود نیز در بسیاری از موارد از انسجام کافی برخوردار نیستند. به‌عنوان نمونه در برخی پرونده‌ها، دادگاه‌ها با استناد به ماده ۴۱۸، تمامی معاملات تاجر ورشکسته را باطل اعلام کرده‌اند. در حالی که در پرونده‌های مشابه، برخی دادگاه‌ها این معاملات را تحت شرایط خاصی معتبر دانسته‌اند. این تناقضات در آرای قضائی و نبود قوانین شفاف و ضمانت اجراهای دقیق، علاوه بر تأثیرگذاری

ورشکستگی به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در حقوق تجارت و مدنی، نه تنها ابعاد اقتصادی بلکه جنبه‌های حقوقی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. این پدیده آثار مهمی بر وضعیت مالی و حقوقی تاجر، طلبکاران، و اشخاص ثالث دارد و بررسی دقیق آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. صدور حکم ورشکستگی، وضعیت جدیدی برای تاجر ایجاد می‌کند که آثار آن تنها محدود به شخص تاجر نیست، بلکه تمامی ذی‌نفعان، اعم از طلبکاران و اشخاص ثالث، را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ماده ۴۱۸ قانون تجارت ایران به‌صراحت بیان می‌کند که تاجر ورشکسته از مداخله در تمامی اموال خود منع می‌شود. این ممنوعیت، تصرفات مادی و حقوقی وی را شامل می‌شود و به نحوی است که حتی معاملات انجام شده پیش از ورشکستگی یا در خلال آن نیز ممکن است به چالش کشیده شوند. این امر زمینه‌ساز بروز مسائل حقوقی و قضائی متعددی است، چرا که بررسی صحت یا بطلان این معاملات نیازمند تفسیر دقیق قوانین و رویه‌های قضائی است (اسکینی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

اهمیت این موضوع ناشی از تضاد منافع میان ذی‌نفعان مختلف است. از یک سو، طلبکاران حق دارند که در راستای دریافت مطالبات خود از اموال تاجر ورشکسته بهره‌مند شوند، اما از سوی دیگر، اشخاص ثالثی که با حسن نیت وارد معاملات با تاجر شده‌اند، نباید قربانی شرایط حقوقی ورشکستگی شوند. این تعارض منافع، چالش‌های بسیاری را در نظام حقوقی ایران ایجاد کرده و برقراری تعادل میان این منافع متضاد را به مسئله‌ای حیاتی تبدیل کرده است.

به‌ویژه در مواردی که معاملات تاجر پیش از ورشکستگی انجام شده‌اند، این سوال پیش می‌آید که آیا این معاملات به‌عنوان بخشی از دارایی تاجر محسوب می‌شوند یا خیر. از طرف دیگر، معاملات انجام شده در خلال ورشکستگی نیز ممکن است تحت شرایط خاصی باطل یا قابل فسخ اعلام شوند. عدم تبیین دقیق این مسائل در قوانین و رویه‌های قضائی می‌تواند حقوق اشخاص ثالث را تهدید کرده و در عین حال تضادهایی را میان

قوانین شفاف برای تعادل بخشی به این منافع متضاد، خطر تضییع حقوق یکی از طرفین را افزایش می‌دهد و باعث ایجاد اختلافات پیچیده در محاکم می‌شود (نجفی، ۱۳۹۳: ۱۴۴-۱۴۳).

از سوی دیگر، عدم انطباق مقررات ایران با استانداردهای بین‌المللی در این زمینه، چالش دیگری است که اهمیت این تحقیق را دوچندان می‌کند. در حقوق کشورهای پیشرفته مانند انگلستان و ایالات متحده، قوانین شفاف و دقیقی برای حمایت از اشخاص ثالث با حسن نیت در نظر گرفته شده است. این قوانین تلاش می‌کنند تا ضمن تضمین حقوق طلبکاران، اشخاص ثالثی که بدون اطلاع از وضعیت مالی تاجر وارد معامله شده‌اند را نیز حمایت کنند. نبود چنین سازوکارهایی در قوانین ایران، ضرورت اصلاح مقررات داخلی را به خوبی آشکار می‌سازد

سؤال پژوهش

پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه: «وضعیت حقوق اشخاص ثالث در مورد فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته در فقه، حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران چگونه است؟»

فرضیه پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش آن است که قوانین و حقوق موضوعه ایران، چارچوب کلی برای بطلان معاملات تعیین کرده‌اند، اما معیارهای دقیق برای تفکیک معاملات صحیح از معاملات باطل ارائه نشده است. این امر باعث اختلاف نظرهای گسترده در رویه‌های قضایی شده است.

هدف پژوهش

این پژوهش با هدف بررسی وضعیت حقوق اشخاص ثالث در فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته در حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران انجام شده است. و تلاش دارد از رهگذر این تحلیل و بررسی ها نقاط ابهام و ضعف در قوانین و رویه های موجود را نشان داده و سعی نماید با ارائه پیشنهادها و راهکارهای عملیاتی حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت را بهتر از گذشته استیفا نماید.

پیشینه پژوهش

قائم مقام فراهانی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «حقوق تجارت

بر حقوق طلبکاران، می‌تواند اشخاص ثالث با حسن نیت را نیز دچار ضررهای غیرقابل جبران کند.

حقوق اشخاص ثالث و معاملات تاجر ورشکسته یکی از جنبه‌های مهم موضوع، حقوق اشخاص ثالثی است که با حسن نیت وارد معاملات با تاجر شده‌اند. اگرچه هدف اصلی ممنوعیت تصرف تاجر ورشکسته، حمایت از حقوق طلبکاران و جلوگیری از تضییع اموال تاجر است، اما این محدودیت می‌تواند در مواردی به زیان اشخاص ثالث منجر شود. به‌عنوان مثال: اگر معامله‌ای توسط تاجر انجام شده باشد و شخص ثالث با حسن نیت در این معامله شرکت کرده باشد، ابطال این معامله می‌تواند به خسارات جبران‌ناپذیری برای وی منجر شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

موضوع حقوق اشخاص ثالث در معاملات تاجر ورشکسته یکی از مباحث کلیدی در نظام حقوقی ایران است که به دلیل خلأهای قانونی و ابهامات موجود، تأثیرات گسترده‌ای بر منافع تجاری و حقوقی افراد مختلف دارد. ماده ۴۱۸ قانون تجارت ایران، به‌طور خاص، به ممنوعیت تصرفات تاجر ورشکسته پرداخته و تلاش کرده است تا حقوق طلبکاران را در مقابل هرگونه اقدام غیرمجاز تاجر ورشکسته تضمین کند. با این حال، ابهامات موجود در اجرای این ماده منجر به بروز اختلافات گسترده‌ای در رویه قضایی شده است.

یکی از مسائل اصلی، وضعیت حقوقی معاملات انجام‌شده پیش و پس از صدور حکم ورشکستگی است. به‌ویژه، این پرسش مطرح می‌شود که آیا معاملات انجام‌شده پیش از صدور حکم، به‌طور مطلق باطل هستند یا می‌توانند تحت شرایط خاصی معتبر شناخته شوند. در بسیاری از پرونده‌ها، این ابهام موجب صدور آرای متناقض از سوی محاکم قضایی شده است (اسکینی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

علاوه بر این، تضاد منافع میان طلبکاران و اشخاص ثالث با حسن نیت یکی از چالش‌های پیچیده در این حوزه است. طلبکاران به دنبال حداکثر کردن دارایی‌های قابل وصول خود هستند، در حالی که اشخاص ثالث انتظار دارند حقوقشان در برابر اقدامات تاجر ورشکسته محفوظ بماند. نبود

زمینه حمایت از اشخاص ثالث دچار ضعف است. مقاله تأکید دارد که قوانین ایران باید به گونه‌ای بازنگری شوند که حقوق اشخاص ثالث به‌ویژه در معاملات با حسن نیت تضمین شود (ایزدمهر و صقری، ۱۳۹۲: ۱۴۴). یکی از ضعف‌های عمده پژوهش‌های پیشین، کمبود مطالعات خاص و جامع بر روی قوانین ایران است. بسیاری از پژوهش‌ها به تحلیل عمومی و تطبیقی پرداخته‌اند، اما به‌طور خاص به جزئیات قوانین و مقررات ایران در زمینه ورشکستگی و حقوق اشخاص ثالث کمتر توجه شده است. این موضوع می‌تواند موجب شود که برخی نکات مهم و به‌ویژه موارد خاص در حقوق ایران نادیده گرفته شوند.

برخی از پژوهش‌ها به‌ویژه در زمینه ورشکستگی، بیشتر بر تحلیل‌های نظری تمرکز دارند و در آن‌ها پیشنهادات عملیاتی و کاربردی کمتری برای اصلاح قوانین و رویه‌ها داده شده است. پژوهش‌هایی که فقط به تحلیل تئوریک پرداخته‌اند، ممکن است نتایج کاربردی کمی برای قانون‌گذاران و قضات ارائه دهند.

همچنین در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، به‌ویژه در حوزه اصلاحات قانونی، به تأثیرات عملی اصلاحات در قوانین ورشکستگی و حمایت از حقوق اشخاص ثالث توجه کمتری شده است. بیشتر پژوهش‌ها به تئوری‌ها و قوانین موجود پرداخته‌اند بدون اینکه تأثیرات عملی اصلاحات یا چالش‌های اجرایی آن‌ها را بررسی کنند.

لکن پژوهش حاضر هم در تحلیل خود از قوانین مرتبط با مساله با پژوهش‌های پیشین متفاوت است و مهمتر از آن در نتیجه و برابند پژوهش نیز با پژوهش‌های پیشین متمایز و دارای تفاوت‌هایی است.

۱. مبانی فقهی فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته

۱-۱- ادله قرآنی

آیه ۲۸۰ سوره بقره: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» به تأخیر در مطالبه بدهی از شخص ناتوان اشاره دارد. در تفاسیر فقهی، این آیه مبنایی برای جلوگیری از معاملات زیان‌بار تاجر ورشکسته تلقی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۱۲).

آیه ۲۹ سوره نساء: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» تصرفات مالی زیان‌بار

ورشکستگی و تصفیه» به بیان حقوق تاجر ورشکسته و امور تصفیه پرداخته است. نویسنده تلاش کرده تا با تحلیل مواد قانونی ایران، به‌ویژه ماده ۴۱۸ قانون تجارت، چگونگی تضییع حقوق اشخاص ثالث را بررسی کند. در این پژوهش، به تضاد منافع میان طلبکاران و اشخاص ثالث پرداخته شده و سعی شده است که راهکارهایی برای بهبود قوانین ارائه شود. پژوهش به‌طور خاص به تحلیل وضعیت حقوقی اشخاص ثالث پرداخته و تأثیر ورشکستگی بر معاملات آن‌ها را مورد بررسی قرار داده است. بخش قابل‌توجهی از این تحقیق به مقایسه نظام حقوقی ایران با سایر کشورها اختصاص دارد. نویسنده نشان داده است که نظام حقوقی ایران در زمینه حمایت از اشخاص ثالث نسبت به نظام‌های حقوقی پیشرفته دارای ضعف‌هایی است. یافته‌ها نشان می‌دهند که عدم شفافیت قوانین ایران موجب تضییع حقوق اشخاص ثالث شده و نیازمند اصلاحات جدی است (قائم‌مقامی فراهانی، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

جهرمی و السان (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی امکان فسخ معاملات تاجر ورشکسته در نظام حقوقی ایران» به تحلیل شرایط فسخ معاملات تاجر ورشکسته پرداخته‌اند. نویسندگان تأکید کرده‌اند که قوانین ایران در این زمینه نیازمند اصلاح و شفاف‌سازی هستند. پژوهش نشان داده است که ماده ۴۱۹ قانون تجارت ایران به‌طور ناقص به شرایط فسخ معاملات اشاره کرده و نیازمند بازنگری است. نویسندگان پیشنهاد کرده‌اند که قوانین باید به‌طور مشخص شرایطی را که دادگاه‌ها می‌توانند معاملات را فسخ کنند، مشخص کنند. این تحقیق می‌تواند برای تدوین قوانین جدید و رفع ابهامات موجود در قوانین فعلی مفید باشد (افتخار جهرمی و السان، ۱۴۰۱: ۳۴۳-۳۲۵).

ایزدمهر و صقری (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «آثار بطلان قراردادهای تجاری نسبت به اشخاص ثالث» به بررسی آثار بطلان معاملات تاجر ورشکسته بر اشخاص ثالث پرداخته‌اند. نویسندگان به بررسی نظریات مختلف درباره بطلان مطلق و نسبی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که نظریه بطلان نسبی می‌تواند در حمایت از اشخاص ثالث مؤثر باشد. مقاله با مقایسه نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، نشان داده است که ایران در

۲- مبانی قانونی فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته

۲-۱- ماده ۴۱۸ قانون تجارت

«تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.»

نقد

ماده ۴۱۸ قانون تجارت با ممنوعیت مطلق تصرفات تاجر ورشکسته، رویکردی سخت گیرانه برای حمایت از طلبکاران اتخاذ کرده است. این ماده، هرگونه معامله پس از اعلام توقف را بی اعتبار می داند، اما عدم تمایز میان معاملات عادی و متقلبانه، اشخاص ثالث با حسن نیت را در معرض خطر قرار می دهد (اسکینی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). ماده ۴۱۸ قانون دارای سه ضعف اصلی است که عبارتند از:

یکم: ممنوعیت مطلق: این رویکرد، معاملات ضروری برای ادامه فعالیت تجاری (مثل تأمین مواد اولیه) را نیز باطل می کند و به تاجر و اقتصاد آسیب می رساند.

دوم: عدم حمایت از اشخاص ثالث: نبود معیارهای روشن برای شناسایی معاملات معتبر، حقوق اشخاص ثالث را تضعیف می کند.

سوم: ابهام در دوره مشکوک: این ماده دوره مشکوک را تعریف نکرده، که به صدور آرای متناقض منجر شده است.

بنابراین ماده ۴۱۸ باید با تفکیک معاملات مجاز (مثل معاملات متعارف تجاری) و غیرمجاز (مثل معاملات متقلبانه) اصلاح شود. متن پیشنهادی: «تاجر ورشکسته از تصرف در اموال خود ممنوع است، مگر معاملاتی که در شرایط متعارف تجاری و با حسن نیت انجام شده و به حقوق طلبکاران زیان نرسانند.»

۲-۲- ماده ۴۱۹ قانون تجارت

«از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او

به طلبکاران را ممنوع می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹۸).

آیه ۲ سوره مائده: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» همکاری در جهت خیر و تقوا را توصیه می کند، که در فقه به عنوان مبنایی برای حفظ حقوق طلبکاران تلقی شده است.

۲-۱- ادله روایی

حدیث امام صادق (ع): «إِذَا فَلَسَ الرَّجُلُ فَلَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِهِ» بیان می کند که شخص بدهکار حق تصرف در اموال خود را ندارد (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲۳/۵).

حدیث نبوی: «مَنْ وَجَدَ مَتَاعَهُ عِنْدَ رَجُلٍ قَدْ أَفْلَسَ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ مِنْ غَيْرِهِ» اولویت طلبکاران را تأیید می کند (بخاری، ۱۴۲۲: ۴۵۶/۳).

حدیث نهی از غرر: «نَهَى النَّبِيُّ (ص) عَنِ بَيْعِ الْغَرْرِ» معاملات مبهم را باطل می داند، که شامل معاملات تاجر ورشکسته با وضعیت مالی نامعلوم می شود.

۳- قواعد فقهی

قاعده لاضرر: معاملات زیان بار به طلبکاران باطل هستند (نجفی، ۱۳۶۷: ۳۴۵/۲).

قاعده غرر: معاملات با ریسک بالا (مثل معاملات تاجر ورشکسته) مشمول بطلان می شوند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

قاعده استیفاء: طلبکاران حق دارند از دارایی های تاجر برای وصول مطالبات خود استفاده کنند (حلی، ۱۴۱۰: ۲۱۲/۴).

قاعده عدل و انصاف: این قاعده تعادل میان حقوق طلبکاران و اشخاص ثالث را ایجاب می کند.

تحلیل

فقه امامیه با تأکید بر عدالت و حمایت از طلبکاران، محدودیت های شدیدی برای معاملات تاجر ورشکسته وضع کرده است. با این حال، برخی فقها، مانند شیخ طوسی، پیشنهاد کرده اند که معاملات ضروری برای ادامه فعالیت تجاری معتبر شناخته شوند (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۵۶/۳). هماهنگ سازی این قواعد با نیازهای حقوق مدرن، به بهبود قوانین کمک می کند.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد ماده ۴۲۰ قانون تجارت برای تعریف معیارهای حسن نیت (مثل عدم آگاهی از توقف تاجر) و معتبر شناختن پیش‌فرض معاملات با حسن نیت، به شکل زیر اصلاح گردد:

«معاملات تاجر ورشکسته که با حسن نیت و در شرایط متعارف تجاری انجام شده باشند، معتبر هستند، مگر اینکه ضرر آشکار به طلبکاران ثابت شود.»

۳- نظریه‌های حقوقی مرتبط با فسخ و بطلان

۳-۱- نظریه حمایت از طلبکاران

این نظریه بر اولویت حقوق طلبکاران تأکید دارد و معاملات زیان‌بار را باطل می‌داند (امامی، ۱۳۹۴: ۲۹۰). این رویکرد در ماده ۴۱۹ قانون تجارت دیده می‌شود، اما بی‌توجهی به حقوق اشخاص ثالث، اعتماد تجاری را تضعیف می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۱۴). به عنوان نمونه در پرونده شماره ۹۷/۱۲۵۸ دیوان عالی کشور، معامله‌ای به دلیل زیان به طلبکاران باطل شد، اما شخص ثالث حسن نیت داشت، که نشان‌دهنده ضعف این نظریه در حمایت از اشخاص ثالث است.

۳-۲- نظریه حمایت از اشخاص ثالث

این نظریه بر حفظ حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت تمرکز دارد و مبتنی بر اصول حسن نیت، امنیت تجاری، و اعتماد عمومی است (صفایی، ۱۴۰۰: ۱۷۸). این رویکرد در ماده ۴۲۰ قانون تجارت دیده می‌شود، اما خطر سوءاستفاده تاجر از وضعیت ورشکستگی وجود دارد. به عنوان مثال در پرونده شماره ۱۳۹۸/۹۶۲ دادگاه تجاری تهران، معامله‌ای به دلیل حسن نیت شخص ثالث معتبر شناخته شد، که نشان‌دهنده ظرفیت این نظریه برای حفظ ثبات بازار است.

۳-۳- نظریه تعادل منافع

این نظریه، که چارچوب نظری این فصل است، به دنبال ایجاد تعادل میان حقوق طلبکاران و اشخاص ثالث است. این رویکرد در برخی رویه‌های قضایی ایران دیده می‌شود، اما نبود قوانین شفاف، اجرای آن را محدود کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۱۸). به عنوان نمونه در پرونده شماره ۱۵۸/۱۴۰۰ دیوان عدالت اداری، دادگاه با استناد به ماده ۴۲۰، معامله‌ای

تعقیب کند، کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.»

ماده ۴۱۹ به معاملات زیان‌بار برای طلبکاران اشاره دارد و فسخ آن‌ها را منوط به اثبات ضرر می‌کند. چالش اصلی، دشواری اثبات قصد تاجر در فرار از دین است. در پرونده شماره ۱۵/۱۰/۱۳۹۵-۳۲۷ دیوان عالی کشور، دادگاه به دلیل عدم مدارک کافی برای اثبات قصد تقلب، معامله را معتبر شناخت (ستوده‌تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۴۰).

نقد

این ماده با مشکلات اجرایی زیر روبرو است:

یکم. دشواری اثبات قصد تقلب: طلبکاران باید شواهد محکمی ارائه دهند که در عمل دشوار است.

دوم. ابهام در معیارهای ضرر: قانون معیارهای مشخصی برای زیان به طلبکاران ارائه نکرده است.

سوم. تفسیرهای قضایی متناقض: دادگاه‌ها در تفسیر این ماده رویه یکسانی ندارند.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد با تدوین آیین‌نامه‌ای که معیارهای ضرر (مثل کاهش دارایی‌های تاجر یا اولویت دادن به یک طلبکار) و روش‌های اثبات قصد تقلب را مشخص کند این مشکلات اجرایی مرتفع گردد.

۲-۳- ماده ۴۲۰ قانون تجارت

«محکمه هر وقت صلاح بداند می‌تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.»

ماده ۴۲۰ معاملاتی که به نفع طلبکاران باشند را معتبر می‌داند. این ماده تلاشی برای حمایت از اشخاص ثالث است، اما تفسیر متفاوت دادگاه‌ها از «نفع طلبکاران» باعث شده که در برخی پرونده‌ها، معاملات با حسن نیت نیز باطل شوند (امامی، ۱۳۹۴: ۲۹۲).

به عنوان نمونه در پرونده شماره ۱۰/۰۹/۱۳۹۷-۱۲۸۹ دیوان عدالت اداری، معامله‌ای به دلیل عدم اثبات نفع طلبکاران باطل شد، در حالی که شخص ثالث حسن نیت داشت (عبادی، ۱۳۹۶: ۲۸۱). در مقابل، در پرونده شماره ۱۳۹۸/۹۶۲ دادگاه تجاری تهران، معامله‌ای به دلیل حسن نیت معتبر شناخته شد.

و این امر موجب تفسیرهای متفاوت در آرای دادگاه‌ها شده است (ستوده تهرانی، ۲۴۰: ۱۳۹۷). این وضعیت می‌تواند باعث ناامنی حقوقی در فضای تجاری شود و ریسک معاملات با تاجر را افزایش دهد.

مشکل دیگر، وضعیت حقوقی اموالی است که در نتیجه بطلان معاملات باید مسترد شوند. در بسیاری از موارد، اشخاص ثالثی که اموال را از تاجر ورشکسته خریداری کرده‌اند، نه‌تنها ملزم به استرداد آن می‌شوند، بلکه در برخی موارد، خسارتی نیز دریافت نمی‌کنند. این وضعیت با اصول کلی حقوق تجارت که مبتنی بر حمایت از حسن نیت است، مغایرت دارد (امامی، ۲۹۸: ۱۳۹۶).

علاوه بر این، نبود مکانیزم‌های جبران خسارت برای اشخاص ثالث یکی دیگر از مشکلات موجود در نظام حقوقی ایران است. در برخی از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه و انگلستان، در صورت ابطال معامله، اشخاص ثالث می‌توانند از صندوق‌های حمایتی یا نهادهای جبران خسارت، غرامت دریافت کنند (Dupont, ۲۰۱۹: ۱۱۲). اما در ایران، چنین راهکاری پیش‌بینی نشده است و این امر می‌تواند موجب بی‌اعتمادی تاجر و کاهش تمایل آن‌ها به انعقاد قراردادهای تجاری شود.

۶. تمایز میان اشخاص ثالث با حسن نیت و اشخاص ثالث آگاه به وضعیت ورشکستگی

یکی از مسائل مهم در تحلیل حقوقی معاملات تاجر ورشکسته، تفکیک میان اشخاص ثالث با حسن نیت و اشخاص ثالثی است که از وضعیت ورشکستگی اطلاع داشته‌اند. این تمایز در تعیین حقوق و تعهدات اشخاص ثالث نقشی اساسی دارد.

اشخاص ثالث با حسن نیت: این گروه شامل افرادی می‌شود که بدون اطلاع از وضعیت ورشکستگی تاجر، وارد معامله با وی شده‌اند. حمایت از این افراد در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است، زیرا آنان در انعقاد معامله هیچ تقصیری نداشته‌اند و نباید متضرر شوند (پوررضائی و غریبه، ۱۹۷: ۱۳۹۸). در نظام حقوقی ایران، اگر اشخاص ثالث بتوانند اثبات کنند که با حسن نیت وارد معامله شده‌اند، دادگاه ممکن است از حقوق آنان حمایت کند، اگرچه قانون تجارت به‌صورت

را به دلیل حسن نیت معتبر شناخت، اما شرایطی برای پرداخت دیون تاجر تعیین کرد.

۴. چالش‌های حقوقی حمایت از اشخاص ثالث

ماده ۴۲۰ قانون تجارت از معاملات با حسن نیت حمایت می‌کند، اما فقدان معیارهای روشن برای اثبات حسن نیت و نبود مکانیزم جبران خسارت، اشخاص ثالث را در معرض خطر قرار می‌دهد. در پرونده شماره ۹۷/۱۲۵۸ دیوان عالی کشور، معامله‌ای با حسن نیت به دلیل اولویت طلبکاران باطل شد، که نشان‌دهنده ضعف حمایت قانونی است (نجفی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). در همین راستا می‌توان سه چالش اصلی را مطرح کرد:

یکم: دشواری اثبات حسن نیت: نبود سامانه اطلاع‌رسانی درباره وضعیت مالی تاجران، اثبات حسن نیت را دشوار می‌کند.

دوم: تفسیرهای متناقض قضایی: دادگاه‌ها در تفسیر ماده ۴۲۰ رویه یکسانی ندارند.

سوم: فقدان جبران خسارت: اشخاص ثالث در صورت ابطال معامله، راهکاری برای جبران خسارت ندارند.

به عنوان نمونه در پرونده شماره ۱۲۸۹-۱۳۹۷/۰۹/۱۰، اجاره‌نامه‌ای به دلیل ورشکستگی موجر باطل شد، در حالی که مستأجر حسن نیت داشت و سرمایه‌گذاری قابل توجهی انجام داده بود.

پرونده شماره ۱۳۹۸/۹۶۲: معامله‌ای به دلیل حسن نیت شخص ثالث معتبر شناخته شد، اما دادگاه شرایطی برای پرداخت دیون تاجر تعیین کرد (پوررضائی و غریبه، ۱۳۹۸: ۱۹۷).

پرونده شماره ۱۵۸/۱۴۰۰: دیوان عدالت اداری قرارداد اجاره‌ای را به دلیل حسن نیت مستأجر معتبر شناخت (السان و اکبری، ۱۴۰۲: ۳۹۴).

پرونده شماره ۹۷/۱۲۵۸: معامله‌ای به دلیل اولویت طلبکاران باطل شد، که نشان‌دهنده ضعف حمایت از اشخاص ثالث است.

۵. چالش‌های حقوقی ناشی از بطلان معاملات برای اشخاص ثالث

یکی از مهم‌ترین چالش‌های ناشی از بطلان معاملات تاجر ورشکسته، عدم امکان اثبات حسن نیت توسط اشخاص ثالث در محاکم است. قانون تجارت ایران معیاری روشن برای تعیین حسن نیت اشخاص ثالث ارائه نداده است

صریح در این زمینه حکمی ندارد.

اشخاص ثالث آگاه به وضعیت ورشکستگی: در مقابل، برخی از اشخاص ثالث در هنگام انعقاد معامله با تاجر، از وضعیت ورشکستگی او اطلاع داشته‌اند. در این موارد، امکان استناد به حسن نیت از سوی این اشخاص دشوارتر است. بسیاری از نظام‌های حقوقی معاملات این افراد را غیرقابل استناد دانسته و به نفع طلبکاران باطل اعلام می‌کنند (نجفی، ۱۴۴: ۱۳۹۳). در ایران نیز، اگر شخص ثالث نتواند حسن نیت خود را اثبات کند، معامله باطل تلقی می‌شود و او حق استرداد اموال یا دریافت خسارت را نخواهد داشت.

۷. تأثیر معامله با تاجر ورشکسته بر حقوق مالکیت و قراردادهای جاری یکی از مهم‌ترین آثار بطلان معاملات تاجر ورشکسته، تأثیر آن بر حقوق مالکیت و قراردادهای جاری است. این موضوع به‌ویژه در مواردی که شخص ثالث به‌عنوان خریدار، مستأجر یا طرف قرارداد با تاجر ورشکسته وارد معامله شده است، اهمیت دارد.

حقوق مالکیت: اگر تاجر ورشکسته اموالی را به شخص ثالثی منتقل کرده باشد، بطلان معامله می‌تواند منجر به استرداد مال شود. در چنین شرایطی، خریدار با این مشکل مواجه خواهد شد که دارایی خریداری شده را از دست بدهد. در برخی پرونده‌های قضایی، دادگاه‌ها معاملات انجام شده را به نفع طلبکاران باطل کرده‌اند، حتی اگر خریدار از وضعیت مالی تاجر بی‌اطلاع بوده باشد (افتخار جهرمی و السان، ۳۴۳: ۱۴۰۱). این وضعیت باعث کاهش امنیت حقوقی اشخاص ثالث شده و ممکن است بر اعتماد عمومی در معاملات تجاری تأثیر منفی بگذارد.

قراردادهای جاری: در بسیاری از موارد، تاجر ورشکسته پیش از صدور حکم ورشکستگی اقدام به انعقاد قراردادهای بلندمدت کرده است. این قراردادها ممکن است شامل اجاره‌نامه‌ها، قراردادهای تأمین کالا و خدمات، یا سایر توافقات باشد. بطلان این قراردادها می‌تواند باعث ایجاد خسارات قابل توجهی برای اشخاص ثالث شود. برای مثال، مستأجری که بدون اطلاع از وضعیت ورشکستگی، ملکی را از تاجر اجاره کرده است، در صورت بطلان قرارداد، ممکن است مجبور به تخلیه ملک شود، بدون آنکه حقی

برای دریافت خسارت داشته باشد (ایزدمهر و صقری، ۱۴۴: ۱۳۹۲).

۸. دشواری اثبات حسن نیت در دعاوی مرتبط با ابطال معاملات یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که اشخاص ثالث در مواجهه با بطلان معاملات تاجر ورشکسته با آن روبرو می‌شوند، اثبات حسن نیت در زمان انعقاد قرارداد است. حسن نیت به معنای عدم اطلاع شخص ثالث از وضعیت مالی تاجر و فقدان قصد تقلب یا سوءاستفاده از شرایط ورشکستگی است (پوررضائی و غریبه، ۱۹۷: ۱۳۹۸). در بسیاری از دعاوی، شخص ثالث برای حفظ حقوق خود باید ثابت کند که از وضعیت ورشکستگی تاجر آگاه نبوده و معامله را با حسن نیت انجام داده است. چالش‌های اثبات حسن نیت عبارتند از:

الف) نبود ضوابط دقیق قانونی: قوانین ایران معیارهای مشخصی برای احراز حسن نیت در این‌گونه معاملات ارائه نکرده‌اند. به همین دلیل، دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی مربوط به ابطال معاملات تاجر ورشکسته رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند که موجب صدور آرای متناقض شده است (نجفی، ۱۴۴: ۱۳۹۳).

ب) مشکلات بار اثبات: معمولاً در دعاوی مربوط به بطلان معاملات، بار اثبات بر عهده شخص ثالث است. این موضوع در عمل اثبات حسن نیت را دشوار می‌کند، زیرا اشخاص ثالث معمولاً به اطلاعات مالی تاجر دسترسی ندارند و اثبات ناآگاهی از وضعیت ورشکستگی بسیار پیچیده است (السان و اکبری، ۳۹۴: ۱۴۰۲).

ج) تناقض در رویه‌های قضایی: برخی دادگاه‌ها صرف ورود شخص ثالث به معامله با تاجر ورشکسته را دلیلی بر آگاهی وی از وضعیت مالی تاجر می‌دانند، در حالی که در برخی دیگر، اصل بر حسن نیت گذاشته می‌شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. این اختلافات حقوقی، موجب ناامنی در معاملات شده و بر اعتماد عمومی تأثیر منفی گذاشته است (افتخار جهرمی و السان، ۳۴۳: ۱۴۰۱).

۹. مشکلات حقوقی ناشی از استرداد اموال و دارایی‌های معامله‌شده یکی دیگر از چالش‌های اساسی ناشی از بطلان معاملات تاجر ورشکسته، مسئله استرداد اموال و دارایی‌هایی است که در جریان این معاملات منتقل

الف) نبود قوانین حمایتی: در نظام حقوقی ایران، هیچ ماده‌ای به‌طور صریح به جبران خسارت اشخاص ثالثی که در نتیجه بطلان معاملات تاجر ورشکسته متضرر شده‌اند، اشاره نکرده است. این خلأ قانونی، باعث شده که اشخاص ثالث برای دریافت خسارت، مجبور به طرح دعوی طولانی و پیچیده شوند (السان و اکبری، ۳۹۴: ۱۴۰۲).

ب) عدم امکان استرداد وجوه پرداخت‌شده: در بسیاری از دعاوی، اشخاص ثالث نه تنها اموال معامله‌شده را از دست می‌دهند، بلکه مبالغ پرداخت‌شده نیز به آن‌ها مسترد نمی‌شود. این موضوع به‌ویژه در مواردی که تاجر ورشکسته دارایی کافی برای پرداخت ندارد، بیشتر نمایان می‌شود (نجفی، ۱۴۴: ۱۳۹۳).

ج) نبود صندوق حمایتی: در برخی کشورها، برای جبران خسارات اشخاص ثالث، صندوق‌های حمایتی یا بیمه‌های خاصی در نظر گرفته شده‌اند. این صندوق‌ها در مواردی که اشخاص ثالث دچار خسارت شده‌اند، به جبران ضرر آن‌ها کمک می‌کنند. در ایران، چنین سازوکاری وجود ندارد و این مسئله موجب شده است که بسیاری از اشخاص ثالث هیچ راهی برای دریافت غرامت نداشته باشند (ساعتچی و منتظر ابدی، ۷: ۱۴۰۲).

۱۱. چالش سوءاستفاده‌های احتمالی از وضعیت ورشکستگی در معاملات ورشکستگی تاجر یکی از مهم‌ترین موضوعات در حقوق تجارت است که می‌تواند زمینه‌ساز برخی سوءاستفاده‌های مالی و حقوقی شود. برخی از تاجر ورشکسته ممکن است از خلأهای قانونی برای انتقال دارایی‌ها، فرار از پرداخت دیون، یا تبانی با برخی طلبکاران سوءاستفاده کنند. این اقدامات نه تنها حقوق سایر طلبکاران را نقض می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام تجاری و اقتصادی را نیز کاهش می‌دهد. در این بخش، مهم‌ترین روش‌های سوءاستفاده از وضعیت ورشکستگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱۱-۱ انتقال دارایی‌ها به اشخاص ثالث خاص به‌منظور فرار از دیون یکی از رایج‌ترین روش‌های سوءاستفاده از وضعیت ورشکستگی، انتقال دارایی‌های تاجر به اشخاص ثالث مورد اعتماد، مانند اعضای خانواده یا شرکای تجاری، برای جلوگیری از توقیف آن‌ها به نفع طلبکاران است. این انتقالات ممکن است در قالب فروش صوری، هبه، یا ایجاد تعهدات مالی

شده‌اند. زمانی که یک معامله باطل اعلام می‌شود، به‌طور معمول اموال باید به وضعیت پیش از انعقاد قرارداد بازگردانده شوند. این امر در بسیاری از موارد مشکلات عملی و حقوقی متعددی ایجاد می‌کند. بنابراین مشکلات ناشی از استرداد اموال عبارتند از:

الف) عدم امکان بازگرداندن عین مال: در برخی موارد، اموال مورد معامله ممکن است مصرف، تغییر شکل، یا به شخص دیگری منتقل شده باشد. در چنین شرایطی، بازگرداندن عین مال ممکن نیست و تعیین تکلیف حقوقی این موارد در قوانین ایران به‌طور دقیق مشخص نشده است (ایزدمهر و صقری، ۱۴۴: ۱۳۹۲).

ب) عدم پیش‌بینی سازوکارهای جایگزین: قوانین ایران تدابیر مشخصی برای جبران ضرر اشخاص ثالث در مواردی که امکان استرداد مال وجود ندارد، ارائه نکرده‌اند. در نتیجه، شخص ثالث ممکن است بدون دریافت هیچ‌گونه جبرانی، متحمل خسارات مالی شود (ساعتچی و منتظر ابدی، ۷: ۱۴۰۲).

ج) تضاد منافع میان طلبکاران و اشخاص ثالث: در برخی موارد، دادگاه‌ها برای حفظ حقوق طلبکاران، اموال معامله‌شده را استرداد می‌کنند، بدون آنکه به حقوق اشخاص ثالث توجه کافی داشته باشند. این امر می‌تواند موجب تضییع حقوق اشخاصی شود که بدون اطلاع از وضعیت مالی تاجر، معامله‌ای را انجام داده‌اند (اسکینی، ۱۲۳: ۱۳۸۷).

۱۰. چالش‌های عدم وجود مکانیسم‌های جبران خسارت برای اشخاص ثالث یکی دیگر از مشکلات عمده در نظام حقوقی ایران، فقدان مقررات شفاف و کارآمد برای جبران خسارت اشخاص ثالثی است که به دلیل بطلان معاملات تاجر ورشکسته دچار ضرر شده‌اند. در بسیاری از کشورها، قوانین ویژه‌ای برای حمایت از اشخاص ثالث تدوین شده که بر اساس آن‌ها، اشخاص متضرر می‌توانند از نهادهای قانونی درخواست جبران خسارت کنند (پوررضائی و غریبه، ۱۹۷: ۱۳۹۸). در ایران، چنین سازوکارهایی به‌صورت شفاف وجود ندارد و اشخاص ثالث در بسیاری از موارد بدون دریافت هیچ‌گونه غرامتی با خسارت‌های مالی مواجه می‌شوند. این چالش‌ها عبارتند از:

برخی تجار بتوانند به راحتی از پرداخت دیون خود فرار کنند.
ب) نبود نظارت دقیق بر پرداخت‌های قبل از ورشکستگی: قوانین ایران به صراحت مشخص نکرده‌اند که چه پرداخت‌هایی پیش از اعلام ورشکستگی باید به عنوان اقدامات غیرمجاز تلقی شوند. این موضوع، امکان تبانی میان تاجر ورشکسته و برخی طلبکاران را افزایش می‌دهد (ایزد مهر و صقری، ۱۴۴: ۱۳۹۲).

ج) عدم شفافیت در رویه‌های قضایی: در برخی پرونده‌های ورشکستگی، دادگاه‌ها در تشخیص معاملات صوری یا تبانی میان تاجر و طلبکاران دچار اختلاف نظر هستند. این مسئله باعث شده که برخی افراد بتوانند با سوءاستفاده از خلأهای موجود، دارایی‌های خود را از دسترس طلبکاران خارج کنند (ساعتچی و منتظر ابدی، ۷: ۱۴۰۲).

بنابراین به منظور مقابله با این چالش‌ها، اصلاح قوانین، افزایش نظارت بر معاملات پیش از اعلام ورشکستگی، و تقویت ضمانت اجرای قانونی ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، وضعیت حقوق اشخاص ثالث در مورد فسخ و بطلان معاملات تاجر ورشکسته در فقه، حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

تفسیر مقررات بطلان معاملات در حقوق ایران دارای ابهامات جدی است. قوانین ایران، به‌ویژه ماده ۴۱۸ و ۴۲۰ قانون تجارت، چارچوب کلی برای بطلان معاملات تعیین کرده‌اند، اما معیارهای دقیق برای تفکیک معاملات صحیح از معاملات باطل ارائه نشده است. این امر باعث اختلاف نظرهای گسترده در رویه‌های قضایی شده است.

از نظر نظریه‌های حقوقی و رویه‌های قضایی ایران، دو رویکرد عمده در قبال معاملات تاجر ورشکسته مشاهده می‌شود:

جعلی انجام شود (پوررضائی و غریبه، ۱۹۷: ۱۳۹۸). روش‌های رایج انتقال دارایی‌ها عبارتند از: فروش صوری اموال، ایجاد بدهی‌های جعلی، ثبت دارایی‌ها به نام اشخاص ثالث (السان و اکبری، ۳۹۴: ۱۴۰۲). که منجر به ضعیف حقوق طلبکاران، افزایش دعاوی حقوقی و کاهش شفافیت در بازارهای مالی می‌گردد.

۱-۲- تبانی میان تاجر ورشکسته و برخی طلبکاران برای اولویت‌بندی بازپرداخت دیون

یکی دیگر از سوءاستفاده‌های احتمالی در فرآیند ورشکستگی، تبانی میان تاجر ورشکسته و برخی طلبکاران برای اولویت‌بندی بازپرداخت بدهی‌ها است. در برخی موارد، تاجر ورشکسته پیش از اعلام رسمی ورشکستگی، بدهی‌های خود را به طلبکارانی که با وی روابط نزدیک‌تری دارند، پرداخت کرده و سایر طلبکاران را از دریافت مطالبات خود محروم می‌کند (ساعتچی و منتظر ابدی، ۷: ۱۴۰۲).

روش‌های تبانی برای اولویت‌بندی پرداخت دیون عبارتند از: پرداخت زودهنگام به طلبکاران خاص، اعطای وثیقه‌های خاص به طلبکاران منتخب، تأخیر در ثبت طلب برخی از طلبکاران در فرآیند ورشکستگی (نجفی، ۱۴۴: ۱۳۹۳). که پیامدهایی همچون: بی‌عدالتی در توزیع دارایی‌های تاجر، کاهش اعتبار نظام قضایی و افزایش پیچیدگی در رسیدگی به دعاوی ورشکستگی را در پی دارد.

تحلیل خلأهای قانونی

یکی از دلایل اصلی سوءاستفاده از فرآیند ورشکستگی، وجود خلأهای قانونی و نبود نظارت کافی بر معاملات پیش از اعلام ورشکستگی است. قوانین ایران به‌طور مشخص به تمامی روش‌های جلوگیری از سوءاستفاده در ورشکستگی نپرداخته و همین مسئله، راه را برای برخی اقدامات غیرقانونی باز گذاشته است (پوررضائی و غریبه، ۱۹۷: ۱۳۹۸).

مهم‌ترین خلأهای قانونی در این حوزه عبارتند از:

الف) عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای کافی برای معاملات صوری: در حقوق ایران، مجازات یا تدابیر مشخصی برای جلوگیری از انتقال صوری اموال پیش از ورشکستگی وجود ندارد. این خلأ قانونی باعث شده که

بطلان معاملات اشاره کرده‌اند، اما معیارهای دقیق برای تشخیص معاملات غیرقابل ابطال، معاملات قابل فسخ، و معاملات باطل مطلق مشخص نشده است.

تضاد میان رویه‌های قضایی و نبود وحدت رویه: در بسیاری از پرونده‌های مربوط به بطلان معاملات، دادگاه‌ها احکام متفاوتی صادر می‌کنند، زیرا معیار مشخصی برای تفسیر مقررات وجود ندارد.

نبود حمایت کافی از اشخاص ثالث با حسن نیت: در حال حاضر، قوانین ایران مکانیزمی برای جبران خسارت اشخاص ثالث ارائه نکرده‌اند و این افراد در صورت ابطال معامله، حقوق خود را از دست می‌دهند.

امکان سوءاستفاده از وضعیت ورشکستگی توسط تجار ورشکسته: برخی از تجار با انجام معاملات صوری یا انتقال اموال پیش از صدور حکم ورشکستگی، از پرداخت دیون خود فرار می‌کنند، درحالی‌که ابزارهای حقوقی برای مقابله با این اقدامات کافی نیست.

پیشنهادات و راهکارها

با توجه به مشکلات و چالش‌های بررسی شده، پیشنهادات زیر برای اصلاح نظام حقوقی ایران ارائه می‌شود:

۱. اصلاح و شفاف‌سازی قوانین مربوط به بطلان معاملات از طریق: تعریف دقیق‌تر شرایط بطلان معاملات و تفکیک میان معاملات غیرقابل ابطال، معاملات قابل فسخ، و معاملات باطل مطلق. و ایجاد دستورالعمل قضائی شفاف برای تفسیر مقررات مربوط به بطلان معاملات و جلوگیری از صدور آرای متناقض در دادگاه‌ها.

۲. تدوین مقررات حمایتی برای اشخاص ثالث با حسن نیت از طریق: اصلاح ماده ۴۲۰ قانون تجارت و پیش‌بینی راهکارهای حمایتی برای اشخاص ثالثی که بدون اطلاع از وضعیت ورشکستگی تاجر وارد معامله شده‌اند. و ایجاد صندوق حمایتی برای اشخاص ثالث متضرر از محل جرایم مالی و تخلفات مرتبط با ورشکستگی.

۳. افزایش نظارت بر معاملات مشکوک پیش از اعلام ورشکستگی از طریق: ایجاد سامانه ثبت معاملات تجار در آستانه ورشکستگی به منظور نظارت بر انتقالات مالی مشکوک و تشدید مجازات برای انتقال صوری اموال

رویکرد سخت‌گیرانه: برخی آراء محاکم بر این اساس است که هرگونه معامله تاجر ورشکسته از تاریخ توقف وی (دوره مشکوک) قابل فسخ یا بطلان است، حتی اگر شخص ثالث از وضعیت مالی تاجر اطلاعی نداشته باشد. این تفسیر، به اصول سنتی حمایت از طلبکاران و جلوگیری از تقلب تاجر ورشکسته استناد دارد.

رویکرد منعطف‌تر: برخی رویه‌های قضایی سعی در ایجاد تعادل میان حقوق طلبکاران و اشخاص ثالث دارند. در این رویکرد، اگر شخص ثالث در هنگام انعقاد معامله از ورشکستگی یا توقف تاجر اطلاع نداشته و معامله نیز ماهیتاً عادی باشد، بطلان آن می‌تواند منتفی باشد.

بطلان معاملات بر حقوق اشخاص ثالث تأثیر منفی دارد چرا اشخاص ثالثی که با حسن نیت با تاجر ورشکسته معامله کرده‌اند، در بسیاری از موارد متضرر می‌شوند و مکانیزم مشخصی برای جبران خسارت آن‌ها در نظام حقوقی ایران وجود ندارد.

همچنین سوءاستفاده از وضعیت ورشکستگی و خلأهای قانونی امکان‌پذیر است. برخی تجار با انتقال صوری دارایی‌ها یا تبانی با طلبکاران، حقوق سایر ذی‌نفعان را تضییع می‌کنند. قوانین موجود در این زمینه نیازمند اصلاح و شفاف‌سازی هستند.

باید توجه داشت که مقررات سخت‌گیرانه بطلان معاملات ممکن است باعث کاهش امنیت اقتصادی شود. اعمال سخت‌گیرانه بطلان معاملات بدون در نظر گرفتن وضعیت اشخاص ثالث، موجب کاهش اعتماد عمومی به بازارهای تجاری، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش انعقاد قراردادهای تجاری می‌شود.

عدم تعادل میان حمایت از طلبکاران و اشخاص ثالث یکی از مشکلات اساسی است. در قوانین ایران، حمایت از طلبکاران در اولویت قرار دارد و حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت، که ممکن است در جریان بطلان معاملات متضرر شوند، به‌درستی محافظت نمی‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، چالش‌های اصلی در اجرای مقررات بطلان معاملات تاجر ورشکسته به شرح زیر است:

ابهام در تعریف و شرایط بطلان معاملات: قوانین موجود به‌صورت کلی به

ایجاد هیئت‌های ویژه بررسی دعاوی ورشکستگی، این هیئت‌ها می‌توانند در مورد هر معامله به‌طور خاص تصمیم‌گیری کنند و از اجرای یکسان و غیرمنعطف قوانین جلوگیری کنند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر حامی مالی نداشته است.

سپاسگزاری

از همه دست اندرکارانی که در به ثمر نشستن این پژوهش یاری رساند تقدیر و سپاسگزاری می‌گردد.

توسط تاجر ورشکسته یا تباری میان وی و برخی طلبکاران.

۴. اتخاذ رویکرد منعطف در اجرای بطلان معاملات از طریق: اعطای اختیار به دادگاه‌ها برای جایگزینی بطلان معامله با جبران خسارت در موارد خاص و ایجاد سازوکارهایی برای بررسی موردی معاملات توسط دادگاه و جلوگیری از ابطال کلی معاملات بدون در نظر گرفتن وضعیت اشخاص ثالث.

۵. اصلاح فرآیندهای دادرسی و تسریع در رسیدگی به دعاوی مرتبط با بطلان معاملات از طریق: ایجاد شعبه‌های تخصصی برای دعاوی ورشکستگی و کاهش زمان رسیدگی به این پرونده‌ها و ایجاد امکان استرداد سریع وجوه پرداخت‌شده توسط اشخاص ثالث در صورت بطلان معامله و برگزاری دوره‌های تخصصی برای قضات در زمینه ورشکستگی،

منابع

قرآن کریم

- تصفیه امور ورشکسته). تهران: نشر سمت.
۱۵. اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۶). حقوق تجارت ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. تهران: نشر سمت.
۱۶. شهیدی، مهدی. (۱۳۹۸). تشریح مبانی حقوق قراردادهای، جلد ۱. تهران: انتشارات میزان.
۱۷. صفایی، حسین. (۱۴۰۰). حقوق تجارت بین الملل. تهران: نشر میزان.
۱۸. عبادی، محمد. (۱۳۹۶). اجرای احکام مدنی. تهران: انتشارات میزان.
۱۹. عرفانی، علی. (۱۳۹۲). حقوق تجارت ایران. تهران: نشر دادگستر.
۲۰. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۵). حقوق گمرکی ایران. تهران: انتشارات سمت.
۲۱. حبیبی، مجید. (۱۳۹۷). قوانین مالیاتی و تأثیر آن بر معاملات تجاری. تهران: نشر اقتصاد و حقوق.
۲۲. شمس، عبدالله. (۱۳۹۸). آیین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات میزان.
۲۳. ستوده تهرانی، احمد. (۱۳۸۷). حقوق تجارت تطبیقی. تهران: نشر اندیشه های حقوقی.
۲۴. نجفی، مهدی. (۱۳۹۳). "بررسی معاملات تاجر ورشکسته". مجله حقوقی دادگستر، ۱۴۴-۱۴۳.
۲۵. پوررضائی، حسین. و غریبه، مسعود. (۱۳۹۸). "تحلیل حقوق اشخاص ثالث در ورشکستگی". مجله مطالعات حقوقی، ۱۹۷-۲۳۲.
۲۶. السان، فریبرز. و اکبری، نادر. (۱۴۰۲). "تأثیر ابطال معاملات بر نظام اقتصادی". پژوهش های حقوق تجارت، ۳۹۴-۸۰۸.
۲۷. ایزدمهر، سعید. و صقری، محمد. (۱۳۹۲). "بررسی آثار بطلان معاملات تاجر ورشکسته بر اشخاص ثالث". مجله مطالعات حقوقی و قضایی، ۱۴۴-۱۶۳ (۴).
۲۸. افتخار جهرمی، محمد. و السان، سیامک. (۱۴۰۱). "امکان فسخ معاملات تاجر ورشکسته در نظام حقوقی ایران". فصلنامه حقوق تجارت و ورشکستگی، ۳۴۳-۳۶۵ (۳).
۲۹. ساعتچی، مرتضی. و منتظر ابدی، شهرام. (۱۴۰۲). "چالش های حقوقی ورشکستگی و تأثیر آن بر معاملات اشخاص ثالث". مجله پژوهش های حقوق خصوصی، ۲۷ (۱)، ۷-۳۲.

۱. افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی. (۱۴۰۱). آیین دادرسی مدنی، جلد دوم. تهران: انتشارات میزان.
۲. ایزدمهر، کورش و صقری، محمد. (۱۳۹۲). آثار بطلان قراردادهای تجاری نسبت به اشخاص ثالث. تحقیقات حقوقی بین المللی.
۳. پوررضائی، علی و غریبه، علی. (۱۳۹۸). گستره حمایت از اشخاص ثالث در معاملات تجاری. پژوهش حقوق خصوصی.
۴. اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۷). حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. تهران: نشر سمت.
۵. ساعتچی، علی و منتظر ابدی، فاطمه. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی قراردادهای تاجر ورشکسته. پژوهش های حقوقی.
۶. قائم مقامی فراهانی، محمدحسین. (۱۳۸۲). ورشکستگی و تصفیه. تهران: میزان.
۷. نجفی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). نقد رویه های قضائی دادگاه های تجدیدنظر استان تهران. فصلنامه رأی.
۸. السان، مصطفی و اکبری، محمدرضا. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی اعتراض ثالث به ورشکستگی در حقوق ایران، مصر و الجزایر. پژوهش حقوقی.
۹. امامی، سید حسن. (۱۳۹۴). حقوق مدنی، جلد ۱. تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۵). ترمینولوژی حقوق. تهران: نشر گنج دانش.
۱۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای. تهران: نشر دانشگاهی.
۱۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۷). قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. قائم مقامی فراهانی، عباس. (۱۳۹۳). حقوق تجارت ایران. تهران: نشر میزان.
۱۴. اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۷). حقوق تجارت (جلد سوم: ورشکستگی و

